

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم انسانی و علوم اسلامی

شماره هشتم، بهار ۱۴۰۱، ص ۲۶۱ - ۲۸۴

راهکارهای نهادینه سازی امانت داری در جامعه از منظر آیات و روایات

فاطمه امیری فرد^۱

مریم عسگری^۲

اسماء زمانی^۳

مصطفی عبدالهی کهره^۴

دکتر محمدمهدی کریمی نیا^۵

چکیده

امانتداری از مباحث اخلاقی، قرآنی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است. امانت داری امنیت روح را تضمین و نوعی آرامش خاطر فردی و اجتماعی به دنبال دارد و برعکس خیانت در اموال و بی‌مبالاتی در نگهداری اسرار سبب تشویش و هراس می‌

۱. طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته تاریخ اسلام، مؤسسه آموزش عالی حوزوی مرکز آموزش های غیرحضوری، شهر قم، استان قم، ایران، نویسنده مسؤول،

Javadr۱۲۳۴۵۶@gmail.com

۲. طلبه سطح دو (کارشناسی)، رشته علوم حوزوی، حوزه حضرت فاطمه معصومه (س)، شهر اراک، استان مرکزی، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

maryamasgari۷۵۹۷@gmail.com

۳. سطح سه (کارشناسی ارشد)، رشته فقه و اصول، مؤسسه آموزش عالی حوزوی حضرت فاطمه معصومه (س)، شهر بندرعباس، استان هرمزگان، ایران، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

Alireza۸۰۴۱۷۸۶۱@gmail.com

۴. دارای مدرک سطح دو (کارشناسی)، رشته حقوق و قضای اسلامی، مدرسه عالی قضاوت، قم، استان قم، ایران، طلبه سطوح عالی حوزه علمیه قم، پژوهشگر و فعال فرهنگی،

bdyl۵۰۸۷۹@gmail.com

۵. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، طلبه و پژوهشگر حوزه علمیه قم،

kariminia@quran.ac.ir

گردد. تقویت این ارزش اجتماعی و شرعی سبب سعادت‌مندی بشر در دنیا و آخرت و ضامن سلامت امت اسلامی، اموال، ثروت‌ها، پست‌ها، مسئولیت‌ها، سرمایه‌های انسانی، فرهنگ‌ها و میراث‌های تاریخی همه امانت‌های الهی است که به دست افراد مختلف در اجتماع سپرده می‌شود و همه موظف‌اند که در حفظ این امانات و تسلیم کردن آن به صاحبان اصلی آن بکوشند. با توجه به ارزش امانت‌داری در جوامع اسلامی و غیراسلامی، در این پژوهش برانیم تا راهکارهای تقویت آن را بیان کنیم. روش تحقیق در این پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت متنی و کتابخانه‌ای است. از دغدغه‌های عصر ما تضعیف و کم‌رنگی این صفت خداپسندانه است و فراگیر شدن خیانت در امانت و عدم صداقت در جامعه تأثیر منفی گذاشته و گاهی ارزش‌های متعالی را به ضد ارزش مبدل ساخته است و در نتیجه انسانهای امین طرد شده و افراد سالوس و دغل‌باز و خیانت‌پیشه مورد تمجید قرار می‌گیرند. حفظ امانت از خصایص حسنه‌ای است که دارای ارزش و اهمیت والایی در آموزه‌های دینی ما می‌باشد و دارای معانی مختلفی از جمله: حفاظت و مراقبت، رازداری و نگهداری و امنیت است. امانت داری آثار فردی و اجتماعی زیادی از جمله خشنودی خدا، وسعت روزی، رحمت اجتماعی و احساس امنیت، می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، روایات، راهکارها، نهادینه سازی، امانت داری، راست‌گوئی.

در قرآن کریم و روایات در موارد متعددی مسلمانان را به این رفتار و منش پسندیده دعوت کرده و از آنان خواسته تا ضمن ایجاد و تقویت این روحیه در خود، دیگران را نیز به سوی آن بخوانند. خداوند می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»؛ (نساء (۴)، آیه ۵۸)؛

خدا به شما فرمان می دهد تا امانات را به صاحبانشان باز گردانید».

در آیات و روایات آثار فراوانی برای این خصلت بیان شده است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می شود: ۱- سبب جلب رزق و روزی ۲- جلب اعتماد مردم ۳- عافیت در دنیا و آخرت ۴- نشانه ایمان ۵- اقتدا به امان معصومین.

علاوه بر این موارد آثار و برکات اجتماعی فراوانی به دنبال دارد، زیرا کسی که به خیانت و نادرستی در بین مردم معروف شد، در این دنیا نیز زندگانی بر او سخت و ناگوار خواهد شد. امانت داری امنیت روح را تضمین و نوعی آرامش خاطر فردی و اجتماعی به دنبال دارد و برعکس خیانت در اموال و بی‌مبالاتی در نگهداری اسرار سبب تشویش و هراس می گردد. در این پژوهش تلاش می شود با استفاده از آیات قرآن کریم و روایات، به بیان راهکارهای تقویت امانتداری در جامعه به صورت مفصل پرداخته شود.

امانت به معنای حفظ حقوق مالی و غیرمالی دیگران، از اصول اخلاقی است. این فضیلت به منش و حالتی گفته می شود که انسان را بر می انگیزاند تا به حفظ حقوق دیگران اقدام کرده و از زیان و آسیب رسانی به آن باز دارد. در اهمیت و ارزش امانت داری همین بس که این ویژگی اخلاقی و منش انسانی در همه اقوام و ملل به عنوان صفت پسندیده مورد تأکید و توجه بوده و همه مردم با هر عقیده و مسلکی آن را ستوده و امانتداران را ارج می نهند.

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- معنای لغوی امانت

امانت در لغت ضد خیانت و به معنای اعتماد نمودن است. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۸۱ و ۳۴۵). واژه امانت همچون واژه های امن، امان و ایمان، هر سه مصدر هستند و از ریشه «ا م ن» در اصل، آرامش خاطر و آرامش نفس و از بین رفتن بیم و هراس است، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۰۲)

۲-۱- معنای اصطلاحی امانت

در اصطلاح فقها و علمای اخلاق «امانت» در همان معنای لغوی استعمال شده، ولی در موارد فراوانی به معنای زیر به کار رفته است. بر اساس این معنا، «امانت» دارایی و جنسی است که با اذن مالک آن یا به اذن شارع مقدس در اختیار غیرمالک آن قرار می گیرد. (انصاری، ۱۴۲۴ق، ص ۱۰۵ و ۱۰۶).

پس امانت، هر ودیعه و چیزی است که برای نگاهداشتن به کسی سپرده می شود تا به عنوان امین از آن نگه داری کند و پس از زمانی به مالک و صاحب آن بازگرداند. در اصطلاح مفسران، امانت تکالیفی از عبادات و طاعات است که خدای متعال بر خلق تعیین کرده است. (محمد معین، ۱۳۵۱، ص ۳۴۷). اما در اصطلاح متصوفان، امانت همان استعدادی است که خداوند برای کسب خیر و علم و عشق در دل انسان به ودیعت نهاده است. البته برخی ها امانت در اصطلاح تصوف را جامعیت اسماء و صفات یا هستی حق دانسته اند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۱۵۰).

۱-۳- انواع امانت

امانت بر دو قسم است: ۱. امانت مالکی؛ ۲. امانت شرعی. امانت مالکی به مالی گفته می شود که مالک، آن را در اختیار دیگری گذاشته است و سبب آن یا عقدی است که امانت، موضوع اصلی آن است؛ مانند ودیعه و یا عقدی که امانت، در ضمن آن و به تبع مطرح است، مانند اجاره، عاریه، مضاربه، وکالت، شرکت و رهن. اما امانت شرعی به مالی اطلاق می شود که شارع، فردی را بر آن امین قرار داده است؛ خواه آن مال به طور قهری در اختیار وی قرار گرفته باشد، مانند آن که باد، لباس کسی را به خانه همسایه بیندازد یا توسط مالک آن بدون اطلاع، تحویل گیرنده شده باشد، مانند آن که کسی کیف یا صندوقی را بخرد و در درون آن مالی ازفروشنده را که مورد معامله نبوده، بیابد و یا یکی از دو طرف معامله به اشتباه، کالای مورد معامله یا بهای آن را افزون بر استحقاق خویش دریافت کند و یا آن که به اذن شارع آن مال را بردارد، مانند کسی که مال گمشده ای را پیدا کند یا مال محترمی را که در معرض تلف است، به قصد رساندن آن به صاحبش، بردارد، (فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۷۶).

۲ - اهمیت امانت داری

الف) جایگاه امانت داری در قرآن

از نظر عقل و منطق، راستی و درستی و پس دادن به موقع امانت کاری ارزشمند و لازمه انسانیت است که فطرت پاک انسان ها پایبندی به آن را طالب و از خیانت در امانت، سخت منزجر است. در فرهنگ اسلام نیز (امانتداری) جزو اصول و پایه های اخلاقی شمرده شده و به گونه ای شگفت مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن مجید می فرماید:

«فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ» (بقره (۲)، آیه ۲۸۳)؛

اگر کسی از شما دیگری را امین دانست، آن کسی که امین شمرده شده باید امانت وی را باز پس دهد و باید از خداوند که پروردگار اوست پروا کند».

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا، (نساء (۴)، آیه ۵۸)؛

خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به صاحبانش بازگردانید».

خداوند در آیه اول از فرد مسلمان و در آیه دوم از عموم مسلمانان می خواهد که امین باشند و در امانت، خیانت نورزند و ودیعه را، هر چه باشد، به صاحبش برگردانند. امیر مؤمنان (ع) نیز، امانتداری را مهمترین ویژگی مسلمان دانسته و فرموده است:

«رَأْسُ السَّلَامِ الْأَمَانَةُ، (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴، ص ۴۷)؛

امانتداری در رأس دستورات - یا برنامه های - اسلام است».

در سخنی دیگر، ادای امانت را در راستای تکمیل دین دانسته و فرموده است:

«مَنْ عَمِلَ بِالْأَمَانَةِ فَقَدْ أَكْمَلَ الدِّيَانَةَ، (همان، ج ۵، ص ۴۴۸)؛

هر کس امانتداری کند دینش کامل کرده. امانت داری نشانه اكمال دین است».

ب) امانتداری، شأن پیامبر و امام

نظر به اینکه امانتداری از اصول اخلاق انسانی و مورد سفارش فراوان خداست، طبیعی است که رهبران الهی از آن بهره کافی داشته و بیش از دیگران به آن پایبند باشند. از این رو خداوند همه فرستادگان خود را به چنین زینتی آراسته است. امام ششم (ع) فرمود:

«إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ، (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۱۱۶)؛

خداوند هیچ پیامبری را جز به راستگویی و ادای امانت برنیا نگیخت».

چنین بود که پیامبر بزرگ اسلام حتی پیش از بعثت از سوی مردم لقب (امین) گرفته بود. امام صادق (ع) در این باره فرمود:

«دِينُهُمُ الْوَرَعُ وَالصَّدْقُ وَالصَّلَاحُ وَالْاِجْتِهَادُ وَ اَدَا الْاَمَانَةَ اِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ، (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۳، ص ۲۲۴)؛

دین امامان، عبارت است از: ورع، راستگویی، صلاح، کوشش و ادای امانت به (همه افراد، اعم از) نیکوکار و بدکار».

همچنین آن حضرت به یکی از شیعیان فرمود:

بنگر که علی (ع) با چه چیزی به آن مقام و منزلت، در نزد رسول خدا (ص) رسید، تو نیز به آن پایبند باش: همانا آن حضرت با راستگویی و امانت بدان مقام دست یافت، (علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۱۱۶).

همچنین به پیروان خویش رهنمود می دهد که اگر بخواهند شیعه واقعی باشند، باید امانتداری پیشه کنند:

«مَنْ كَانَ مِنَّا فَلْيَقْتَدِ بِنَا فَإِنَّ مِن شَأْنِنَا الْوَرَعُ وَالْاِجْتِهَادُ وَ اَدَا الْاَمَانَةَ اِلَى الْبِرِّ وَالْفَاجِرِ، (همان، ص ۱۱۵)؛

کسی که می خواهد از ما باشد باید به ما اقتدا کند، براستی که ورع، کوشش، ادای امانت به نیکوکار و بدکار از شأن ماست».

ج) ملاک مسلمانی

ویژگی و اهمیت (امانتداری) تا آنجا مورد توجه اسلام است که آن را با ایمان، ملازم و برابر دانسته و ایمان افراد را آن گاه می پذیرد که با امانتداری توأم باشد. قرآن مجید آن را از خصوصیات مؤمنان واقعی دانسته و فرمود است:

«وَ اَلَّذِيْنَهُمُ الْاَمَانَاتُ عَلَيْهِمْ وَ عَهْدِهِمْ رَاعُوْنَ، (مؤمنون ۲۳)، آیه ۸)؛

آنان که امانت ها و پیمان خویش را به انجام می رسانند».

همچنین حضرت امیرمؤمنان علی (ع) فرمود:

«لَا اِيْمَانَ لِمَنْ لَا اَمَانَةَ لَهُ، (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۴۰۰)؛

کسی که امانتدار نیست، ایمان ندارد».

حضرت جواد (ع) از پدراناش از رسول خدا (ص) چنین نقل می کند:

«لَا تَنْظُرُوا اِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ وَ الْمَعْرُوفِ وَ طَنَطَنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ وَ لَكِنْ اَنْظُرُوا اِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ اَدَا الْاَمَانَةِ، (علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۱۱۴)؛

به کثرت نماز، روزه، حج، کارهای خوب و ناله های شبانه آنها نگاه نکنید، بلکه به راستگویی و امانتداریشان بنگرید (و آن را ملاک مسلمانی آنها قرار دهید)».

بنابراین، حفاظت و نگهداری امانت و بازگرداندن به موقع آن، معیار و میزان مسلمانی افراد و جامعه است که اگر به آن مقید باشند دارای اسلام واقعی اند و گرنه ایمان چندانی ندارند.

۲-۱. انواع امانت، دامنه و آثار آن

۲-۱-۱. انواع امانت

در فرهنگ اسلام امانت به دو چیز اطلاق می شود: ۱- تکالیف بندگی ۲- مال سپرده شده. امانت هایی که در اختیار انسان قرار می گیرد، ممکن است از سوی خدا، پیامبر و امام یا مردم باشد. پس امانت بر سه نوع است:

الف) امانت الهی

قرآن مجید بر عرضه امانت به خدا به انسان، تصریح دارد:

«إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (سوره احزاب (۳۳)، آیه ۷۲)؛

ما امانت را بر آسمان ها و زمین و کوه ها عرضه داشتیم، از تحمل آن سرباز زدند و از آن ترسیدند ولی انسان آن را برداشت راستی او ستمکاری نادان بود».

مرحوم علامه طباطبایی فرموده است:

«مراد از امانت در این آیه، ولایت الهی است، (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۳۴۹).

برخی مفسران عقیده دارند که (امانت الهی) شامل تمامی تکالیف الهی، اعضا و جوارح، قوای بشری و هر نعمت و مالی که از سوی خدا نصیبش گشته، می شود. (همان، ص ۳۵۲-۳۵۱).

معنای دیگر این سخن آن است که تمام نعمت های تشریحی و تکوینی، امانت های الهی محسوب می شوند که انسان به عنوان امین، آنها را در اختیار گرفته است.

ب) امانت پیامبر(ص)

«إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ» (سوره شعرا / آیه ۱۰۷)؛

مسلماً من برای شما پیامبری امین هستم». رسول خدا (ص) نیز به عنوان رهبر اسلام امانت هایی را به امت سپرده است. از جمله خود، بارها فرمود:

«انّی تارکٌ فیکمُ الثَّقَلینِ: کتابَ اللّهِ وَ عِترتی وَ لَنْ یفْتَرِقا حتّی یردّا علیّ الحَوْضَ، (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۱۴۵)؛

همانا من دو چیز گرانبها در میان شما (به امانت) می گذارم: کتاب خدا و خاندانم و این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا آنکه کنار حوض (کوثر) نزد من آیند».

این دو گنجینه گرانبها، ودیعه پیامبرند که مسلمانان وظیفه دارند از آنها به شایستگی مراقبت کنند. همین طور سنت و سخنان حکمت آمیز آن حضرت و بالتبع امامان نیز باید مورد دقت و حفاظت قرار گیرد و با جدیت و صداقت به نسل بعد تحویل گردد و هرگونه مماشات و سهل انگاری در صیانت از اسلام ناب محمدی از جانب هر شخص و گروهی، خیانت آشکار و جبران ناپذیری است که لعنت خدا و فرشتگان را در پی خواهد داشت.

ج) امانت مردم

امانت‌گذاری و امانتداری، از لوازم زندگی اجتماعی است که همواره در میان جوامع بشری رواج داشته و به تناسب افراد و موقعیت ها، تنوع و دگرگونی یافته است. امانت گاهی یک مطلب علمی، راز نظامی، فرمول صنعتی و گاهی سخنی یا چیزی نفیس و گرانبها و غیره بوده است.

۲-۱-۲. دامنه امانتداری

از ویژگی های مهم امانتداری، فراگیری و شمول آن است که تحت هیچ شرایطی استثناپذیر نیست و امانت باید به صاحب آن اعم از مؤمن و کافر، کوچک و بزرگ، سیاه و سفید، دوست و دشمن مسترد گردد. امام صادق (ع) فرمود:

«ثَلَاثَةٌ لَا عُذْرَ لِأَحَدٍ فِيهَا، أَدَا الْأَمَانَةَ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، (شیخ صدوق، ۱۳۷۷، ص ۱۳۹)؛

در (انجام) سه چیز برای کسی عذری نیست (اول) ادای امانت به نیکوکار و بدکار».

امانت هرچند از نظر ظاهر و ارزش مادی کم بها باشد، قابل احترام و پس دادن است. در این زمینه امیرمؤمنان علی (ع) نقل کرده که رسول خدا (ص) ساعتی پیش از ارتحال، سه بار به من فرمود:

«يَا أَبَا الْحَسَنِ أَدِّ الْأَمَانَةَ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ فِيمَا قَلَّ وَ جَلَّ حَتَّى فِي الْخَيْطِ وَ الْمَخِيْطِ، (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۷، ص ۲۷۳)؛

ای ابوالحسن، امانت را به نیکوکار و بدکار پس بده، کم باشد یا زیاد، حتی اگر نخ و سوزنی باشد».

امانت گذار هر چند از نظر فکری و اجتماعی چهره ای زشت و کریه داشته و مرتکب کرداری شنیع شده باشد و یا حتی حقوقی را بدهکار باشد، هرگز از ودیعه ای که به امانت سپرده محروم نمی گردد. عبدالله بن سنان گوید:

در مسجدی بر حضرت صادق (ع) وارد شدم در حالی که آن حضرت، نماز عصر را به جای آورده و رو به قبله نشسته بود. عرض کردم: ای پسر پیامبر! یکی از پادشاهان بر اساس اعتمادی که به ما دارد، اموالی را به رسم امانت نزد ما سپرده است. با توجه به اینکه خمس آنها را به شما نمی پردازد، اجازه می دهید ما خمس آنها را به شما بپردازیم؟ امام، در پاسخ سه بار فرمود: به پروردگار این قبله سوگند! اگر ابن ملجم - قاتل جدّم علی (ع) - امانتی به من بسپارد به او بر می گردانم! (همان، ج ۷۵، ص ۱۱۷).

و در سخنی دیگر، به شیعیان چنین سفارش می کند:

«أَدُوا الْأَمَانَةَ وَ لَوْ إِلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (ع)، (همان)؛

امانت را ادا کنید گر چه به کشنده حسین بن علی (ع) باشد!».

۳-۱-۲. آثار امانت داری

الف) آثار فردی امانت داری

۱- سبب جلب رزق و روزی

از علی (علیه السلام) روایت داریم که:

«امانت رزق و روزی می آورد، و خیانت مایه فقر است»، (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۷۶).

۲- عافیت در دنیا و آخرت

از لقمان حکیم نقل شده فرمود:

«پسرم! امانت را ادا کن تا دنیا و آخرت تو سالم باشد، و امین باش تا غنی شوی». (محمدی ری شهری، ۱۳۶۲، جلد

۱، ص ۳۴۷).

۳- مؤلفه ی مهم برای جلب اعتماد مردم

۴- نشانه ایمان

از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده است که فرمود:

«نگاه به فزونی نماز و روزه آنها و کثرت حج و نیکوکاری آنها و سر و صدایشان در شب (هنگام راز و نیاز با خدا) نکنید، بلکه نگاه به راست گویی و امانت آنها کنید»، (مجلسی؛ ۱۴۰۴ق، ج ۷۲، ح ۵، ص ۱۱۴).

البته هدف از این تعبیرات این نیست که نماز و روزه و حج و انفاق، سبک شمرده شود، بلکه هدف آن است که این ها تنها نشانه دین داری افراد معرفی نگردد، بلکه به دو رکن اساسی دین یعنی راستی و امانت بیشتر توجه شود.

۵ - اقتدا به امامان معصومین

رک: (کلینی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۰۴).

۶ - ایجاد شهامت در صاحبش

صدق و راستی و امانت به انسان شجاعت و شهامت می بخشد؛ زیرا آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است؛ درحالی که دروغ و خیانت همیشه انسان را در هاله‌ای از خوف و ترس فرو می‌برد؛ مبدا خلاف گویی و خیانت او ظاهر گردد و تمام نقشه‌های او نقش بر آب شود.

۷- خیر و سلامت

حضرت رضا (ع) از پدران از رسول خدا (ص) نقل کرده که فرمود:

«لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا تُحَابُّوا وَ تَهَادُوا وَ أَدَّوْا الْأَمَانَةَ، (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۱۱۵)؛

پیروان من مادامی که یکدیگر را دوست بدارند و هدایت نمایند و ادای امانت کنند پیوسته در خیر خواهند بود».

لقمان حکیم به فرزندش می گوید:

«أَدِّ الْأَمَانَةَ تَسْلِمَ لَكَ دُنْيَاكَ وَ آخِرَتُكَ، (همان، ج ۷۴، ص ۱۷۶)؛

امانت را رد کن تا دنیا و آخرتت سالم باشد».

۸ - راستی و درست‌ی

اگر افراد و جامعه امانت یکدیگر را حفاظت کنند و در آن خیانت نورزند و همه امانت های الهی را پاس دارند، درست‌ی و راستی فزونی خواهد یافت. امیر مؤمنان علی (ع) فرمود:

«إِذَا قَوَّيْتَ الْأَمَانَةَ كَثُرَ الصِّدْقُ، (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۳۴)؛

وقتی امانتداری تقویت گردد راستی فزونی می یابد».

۹ - روزی و ثروت

رسول خدا (ص) فرمود:

«الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الْغَنَاءَ، (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۱۱۴)؛

امانتداری ثروت فراوان می آورد».

امام علی (ع) نیز فرمود:

«الْأَمَانَةُ تَجْرُ الرِّزْقَ، (همان، ج ۷۸، ص ۶۰)؛

امانتداری، روزی آور است».

۱۰ - امنیت روز جزا

امام هادی (ع) فرمود:

حضرت موسی (ع) در مناجات خود از خدا پرسید:

پاداش کسی که از تو شرم کند و خیانت را ترک نماید، چیست؟ خداوند فرمود: امنیت روز جزا. (همان، ج ۷۵، ص ۱۷۰).

۱۱ - رهایی از دوزخ

مؤمن پاک سرشتی که در هیچ امانتی خیانت نرزد و هر ودیعه ای را سالم به صاحبش برگرداند، حیف است داخل دوزخ شود، چنین کسی روحی بهشتی دارد و در فضایی بهشتی زیسته و در آخرت نیز جایگاهی جز بهشت نخواهد داشت. ابوذر گوید: از رسول خدا(ص) شنیدم که فرمود:

«عَلَى حَافَتِي الصِّرَاطِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ الرَّحِمُ وَالْأَمَانَةُ فَإِذَا مَرَّ عَلَيْهِ الْوَصُولُ لِلرَّحِمِ وَالْمُؤَدَّى لِلْأَمَانَةِ لَمْ يَتَكَفَّأْ بِهِ فِي النَّارِ، (همان، ج ۷۵، ص ۱۱۶)؛

روز قیامت در دو سوی صراط، (صله رحم) و (امانتداری) قرار دارند و هنگامی که انجام دهنده صله رحم و امانتدار از روی آن عبور کند بدان وسیله از لغزیدن در دوزخ نجات می یابد».

ب) آثار اجتماعی امانت داری

معلوم است کسی که به خیانت و نادرستی در بین مردم معروف شد در این دنیا نیز زندگانی بر او سخت و ناگوار خواهد شد. نوع انسان در دنیا با معاونت و همکاری یکدیگر می تواند زندگانی راحتی داشته باشد، زندگانی انفرادی برای هیچ کس میسر نیست مگر آنکه از جامعه بشریت خارج شده به حیوانات وحشی ملحق گردد و زندگانی اجتماعی چرخ بزرگش بر محور اعتماد مردم به یکدیگر می چرخد و اگر خدای نخواستہ اعتماد از میان مردم رخت بریندند ممکن نیست بتوانند به راحتی زندگانی کنند و پایه بزرگ اعتماد هم بر امانت و ترک خیانت گذاشته شده است، (امام خمینی، ۱۳۷۸، چ ۲۰، ص، ۴۷۶).

۱- احساس مسئولیت عمومی

در جامعه ای که افراد آن امانت داری را سرلوحه کار خود قرار می دهند و همواره در مسئولیت ها، تکلیف ها و پست های اقتصادی، تجاری و مالی وغیره که در اجتماع به آن ها سپرده می شود، حس کوشش، تلاش، حفاظت و مواظبت بر آن کار در وجود افراد، موجب ترقی و پیشرفت اقتصاد جامعه و رونق و رواج کاری آن اجتماع می گردد.

۲- جلب اعتماد اقشار جامعه

در جامعه ای که امانت داری رواج داشته باشد، افراد آن جامعه به هم نزدیک و مانوس هستند و زندگانی آن ها بر پایه صلح، صف، امنیت و آرامش قرار می گیرد. امام صادق(ع) به عبدالله بن سبابه توصیه فرمود:

«عَلَيْكَ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ اِدَاءِ الْاَمَانَةِ تُشْرِكُ النَّاسَ فِي اَمْوَالِهِمْ» (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۱۳۲)؛

بر تو باد به راست گویی و ادای امانت [اگر چنین کردی] با مردم در اموالشان شریک خواهی بود.

۳- گسترش علم و معنویت

یکی از اثرهای مفید و بارزش امانت داری اجتماعی، پیش رفت و گسترش علم و دین، این دو پایه اصلی فرهنگی و مذهبی در مکتب حیات بخش اسلام، می باشد. امانت داری علمی و معنوی باعث می شود تا افراد امین که از زمره علم، دانشمندان، بزرگان دین و علم می باشند، از علم و دین خود به نحو احسن در راه بالا بردن سطح آگاهی و افکار عموم مردم از لحاظ فرهنگی و مذهبی استفاده کنند. و از سوی دیگر عقاید و خرافات پوچ و بی ارزش از جامعه امانت گذار علم و دین رخت برمی بندد، به طوری که انسان را از خودشناسی به خداشناسی می رساند. (همان).

۴- حفظ اسرار و اطلاعات کشور

امانت داری اجتماعی موجب می شود تا سیاست ها و طرح ها و نقشه های حکومتی که جنبه محرمانه و سری دارند، از دست برد بیگانگان و منافقان و جاسوسان در امان باشد.

۳- راه های تقویت امانت داری

پرورش روح امانت داری در افراد و پیش گیری از خیانت جز در سایه تقویت مبانی ایمان امکان پذیر نیست؛ افراد ضعیف الایمان به گمان این که اگر دست به خیانت نزنند در زندگی عقب می مانند و منافع آنها تأمین نمی شود تن به ذلت خیانت می دهند. اما هنگامی که پایه های ایمان تقویت شد توکل و اعتماد بر خدا و اطمینان به وعده های تخلف ناپذیر او سبب می شود که راه انحراف شرک را برای وصول به مواهب زندگی نپیماید.

از سویی دیگر چون یکی از عوامل مهم خیانت، نیاز افراد است باید تا آنجا که می شود نیازهای معقول و مشروع کسانی را که تحت مدیریت انسان قرار دارند برآورده کنند. مبدا نیازشان سبب شود که زنجیر طلائی امانت را پاره کنند و به خیانت روی آورند. امیرمؤمنان علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر که عالی ترین برنامه مدیریت است می فرماید:

«و در بذل و بخشش به او (قاضی) سفره سخاوت را بگستر آن گونه که نیازمندی اش از میان برود و حاجتی به مردم پیدا نکند و از نظر مقام و منزلت آن قدر مقامش را نزد خودت بالا ببر که هیچ یک از یاران نزدیکت به نفوذ کردن در او طمع نکند و از توطئه این گونه افراد نزد تو در امان باشد و در این موضوع با دقت بنگر، (سید رضی؛ ۱۴۱۵ق، چ ۱، نامه ۵۳، ص ۶۰۱).

از سوی دیگر توجه به عواقب شوم خیانت در دنیا و آخرت و رسوایی ها و محرومیت های ناشی از آن و سرافکندگی در برابر خلق و خالق و گرفتار شدن در چنگال فقری که انسان از آن می گریزد به یقین از عوامل باز دارنده و از اسباب پیشگیری و درمان خیانت است. این نکته نیز قابل دقت است همان گونه که امانت داران باید در امانت خیانت نکنند امانت گذاران نیز باید به هوش باشند که امانت خویش را به دست چه کسی می سپرند. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) می خوانیم:

«کسی که امانت خویش را به غیر امین بسپارد خدا ضامن حفظ آن نیست؛ زیرا خدا او را از سپردن امانت به چنین کسی نهی کرده است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۳۲۰).

۳-۱. راهکارهای عملی نهادینه سازی امانتداری در جامعه

الف) یاد آوری فواید و برکات

بیان فوائد بیشماری که برای امانتداری ذکر شده تأثیر فراوانی در تقویت روحیه امانتداری در افراد دارد. به عنوان نمونه رسول خدا (ص) در این زمینه فرمود:

«الامَانَةُ تَجْلِبُ الْغِنَى؛

حفظ و اداء امانت موجب جلب ثروت می شود».

آن حضرت با این بیان شیوا یکی از فوائد امانتداری را بیان کرده و مردم را به سوی آن ترغیب می کند. البته علت این قضیه روشن است اگر فردی امین و درستکار باشد مردم به آنها اعتماد می کنند و در اثر اطمینان و اعتماد مورد توجه خلق قرار می گیرند. اساساً بدون شناخت منافع و آثار یک عمل خیر انجام آن غیرمقدور است، زیرا انسان انگیزه و محرکی برای آن نخواهد داشت. مولای متقیان فرمود:

«مَنْ لَمْ يَعْرِفْ مَنْفَعَةَ الْخَيْرِ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى الْعَمَلِ بِهِ، (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، حدیث ۹۰۰۹)؛

هر کس بهره های اعمال نیک را نداند برای انجام آن قادر نخواهد بود».

عبدالرحمن بن سیابه کوفی می گوید:

موقعی که پدرم از دنیا رفت، یکی از دوستانش برای تسلیت به منزل ما آمد و پس از تفقد و دلداری، از وضع مالی ما جويا شد. برایش توضیح دادم که پدرم هنگام مرگ مالی به جای نگذاشت و ما هم اکنون دست خالی هستیم. او هزار درهم به من داد و گفت: با این پول، خرید و فروش کرده و از منافعش مخارج زندگی را، تأمین نما و در حفظ و نگهداری اصل آن مراقبت کن! من بی اندازه از اقدام به موقع آن مرد مسرور شدم و نزد مادرم دویدم و گشایشی را که خداوند برایمان فراهم نموده بود برای او گفتم و شب را با خوشحالی تمام بسر بردیم. روز بعد بازار رفتم و به شخصی که با پدرم سابقه رفاقت داشت مراجعه کردم. او برای من مقداری کالای تجارتي و پوشاک خرید و من در مغازه ای آنها را در معرض فروش گذاشتم. خرید و فروش لباس ادامه یافت و من به فضل الهی از این راه سود کلانی بردم و کارم رونق گرفت. موسم حج فرا رسید و شوق زیارت خانه خدا و انجام مناسک حج در دلم افتاد، مادرم را از نیت خود با خبر کردم. او گفت: پسر! تو قبل از سفر حج وظیفه مهمتری داری که باید انجام دهی و آن این است که هزار درهم امانت آن مرد را به او برگردانی و خود را از بدهکاری مردم نجات دهی. من آن پول را آماده کردم و نزد او رفته و امانت را به صاحبش تسلیم نمودم. گفت: چرا پول را بر می گردانی؟ اگر مقدارش کم است بر آن بیفزایم؟ گفتم: نه. قصد سفر حج دارم و خواستم امانت ترا قبل از سفر رد کرده باشم، صاحب پول آنچنان خوشحال شد که گویا من آن مبلغ را از جیب خودم به وی بخشیدم. آن گاه به تهیه مقدمات سفر پرداخته و

قدم در راه خدا نهادم. پس از انجام مناسک، به مدینه رفته و به محضر امام صادق (ع) شرفیاب شدم. گروه بسیاری از مردم در اطراف آن حضرت گرد آمده و مسائل خود را از حضرت می پرسیدند. من که جوانی نارس بودم پائین مجلس نشستم. هنگامی که مجلس خلوت شد، امام (ع) به من اشاره کرد و من نزدیک رفتم. از من پرسید: آیا کاری داری؟ خودم را معرفی کردم. از پدرم سؤال کرد: گفتم: وفات کرد! حضرت ناراحت شد فرمود: خدایش رحمت کند، آیا ثروتی برای تو باقی گذاشت؟ گفتم، نه. پرسید: پس مخارج حج را از کجا آوردی؟ من نیز داستان آن مرد نیکوکار و تجارت خود را برای امام (ع) شرح دادم، پیش از آنکه سخنان من تمام شود، حضرت با نگرانی پرسید: با پول امانتی آن مرد چه کردی؟ گفتم: آنرا به او رد کردم. فرمود: احسنت! کار خوبی کردی! می خواهی ترا نصیحتی بکنم؟ گفتم: بله، فدایت شوم. فرمود: بر تو باد راستگوئی و امانتداری! انسان راستگو و امانتدار شریک مال مردم است. آنگاه انگشتان دستانش را درهم داخل کرد و فرمود: این چنین! (شیخ کلینی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۱۳۴).

عبدالرحمن بن سیابه در ادامه می افزاید: بعد از آن من سفارش امام (ع) را به کار بستم و تا الآن (آنچنان وضع مالیم خوب شده است که) سیصد و شصت هزار درهم حقوق مالی و وجوهات شرعیه پرداخته ام. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۴۷، ص ۳۸۴).

ب) آشکار ساختن اهمیت امانتداری

همچنان که می دانیم که اشتیاق به چیزی بعد از معرفت و شناخت ارزش آن است و میانبرترین راه برای نشان دادن اهمیت هر چیزی شناساندن صحیح آن و بیان کردن منافع و فوائد اوست. بنابراین ما می توانیم با ذکر آثار و برکات امانتداری و تأثیر آن، کمال شخصیت انسان و توضیح اهمیت آن در زندگی افراد و سطح جامعه، مردم را به سوی امانتداری ترغیب نموده و این ویژگی را در وجود آنان تقویت کنیم. شواهد فراوانی در سیره و تاریخ ائمه اطهار (ع) و زندگی بزرگان دین در رابطه با این شیوه وجود دارد که ما به برخی از آنان اشاره می کنیم:

امام باقر (ع) در مورد اهمیت فوق العاده امانتداری می فرماید:

«عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْإِجْتِهَادِ وَصِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ لِمَنْ ائْتَمَنَكُمْ فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ ائْتَمَنَنِي عَلَى السَّيْفِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأْتَيْتُهُ إِلَيْهِ، (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ص ۲۹۹)؛

بر شما باد! پارسائی، تلاش و کوشش، راستگوئی و بازدهی امانت به هر کسی که شما را امین ساخته و امانتی به شما سپرده است شخص نیکوکار باشد یا بدکار، اگر قاتل علی بن ابی طالب (ع) بر من امانتی بسپارد مطمئناً من آنرا برای او باز خواهم گرداند».

این بیان شیوای پیشوای پنجم(ع) با استفاده از این شیوه در توسعه و گسترش فرهنگ امانتداری صورت گرفته است. در بعضی از روایات ضمن توصیه به امانت داری و راستگویی، این ویژگی ارزشمند مهم‌ترین ملاک ارزیابی ایمان و شخصیت افراد قرار گرفته است.

امام صادق(ع) فرمود:

«لَا تَعْتَرُوا بِصَلَاتِهِمْ وَلَا بِصِيَامِهِمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ رَبَّمَا لَهَجَ بِالصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ حَتَّىٰ لَوْ تَرَكَهُ اسْتَوْحَشَ وَ لَكِنَّ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ، (همان، ص ۲۹۸)؛

به نماز و روزه افراد فریب نخورید چه بسا برخی از مردم به نماز و روزه عادت کرده و به آن شیفته می‌شود تا آنجائی که اگر این عادت را ترک کند به هراس می‌افتد ولی آن‌ها را با راستگویی و اداء امانت آزمایش کنید».

امام صادق(ع) با این گفتار حکیمانه خویش اهمیت امانتداری و راستگویی را آن‌چنان بالا برده که میزان شخصیت، اعتماد کردن و در واقع ملاک سنجش ایمان راستین افراد قرار داده است. در همین رابطه امام جواد(ع) از امیرمؤمنان(ع) نقل فرمود که:

«لَا تَنْظُرُوا إِلَىٰ كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ، وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ، وَ الْمَعْرُوفِ، وَ طَنْطَنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ! وَ لَكِنَّ أَنْظُرُوا إِلَىٰ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ، (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۶۹)؛

نگاه نکنید به بسیاری نماز و روزه افراد یا اینکه زیاد به حج می‌روند و در ظاهر کارهای نیک انجام می‌دهند و شبها دعا و زمزمه دارند (این اعمال شما را فریب ندهد) شما فقط دقت کنید به راستگویی و اداء امانت آن‌ها».

با توجه به این سخنان ارزنده ما باید افراد جامعه خود را از اهمیت این خلق پسندیده در نزد خداوند و رهبران الهی آگاه سازیم و همچنین به کارگماری افراد و سپردن مسئولیت‌ها را با توجه به این معیار انجام دهیم، وگرنه ممکن است در جامعه ما افرادی پیدا شوند که در مراسم مذهبی شرکت می‌کنند، به دین داری تظاهر نمایند در حج رفتن پیشقدم بوده و بارها مشرف شوند اما در راستگویی و امانت پردازی دچار مشکل باشند و نتوانند از عهده برآیند: البته امانتداری از منظر امام صادق(ع) سه مرحله دارد که باید یک شخص امین در هر سه مرحله موفق باشد و گرنه نمی‌توان به وی امین و امانتدار راستین اطلاق کرد. آن حضرت فرمود:

«لَا يَكُونُ الْأَمِينُ أَمِينًا حَتَّىٰ يُؤْتَمَنَ عَلَىٰ ثَلَاثَةٍ فَيُؤَدِّيَهَا: عَلَىٰ الْأَمْوَالِ وَالْأَسْرَارِ وَالْفُرُوجِ وَ إِنْ حَفِظَ اثْنَيْنِ وَ ضَيَّعَ وَاحِدَةً فَلَيْسَ بِأَمِينٍ، (ابن شعبه، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶)؛

کسی را نمی توان امین دانست تا اینکه در سه مورد امانتداری خود را نشان دهد: در حفظ اموال، حفظ اسرار و حفظ ناموس اگر چنانکه دو مورد را مراعات کند اما در یکی بلغزد او امین نخواهد بود».

ناگفته نماند که این مراحل به ترتیب درجات امانتدار را نشان می دهد زیرا امانتداری در اموال آسانتر از اسرار است و این دو آسانتر از امانتداری در ناموس است. این همه اهتمام و توجه ویژه به مقوله امانتداری در سیره اهل بیت (ع) اگر به عموم بیان شود. می تواند در پایداری و تقویت این روحیه والا آحاد مردم را یاری کند. آیا می دانید مهمترین عاملی که سبب شد علی (ع) در نزد پیامبر (ص) به آن مقامات عالیه دست یابد چه بود؟ امام صادق در پاسخ به این پرسش فرمود:

«أُنْظِرُ مَا بَلَغَ بِهِ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ بِهِ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ، (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۶۷)؛

بین علی علیه السلام به سبب چه چیز آن منزلت را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پیدا کرد، همان را پیروی کن. او، در حقیقت، با راستگویی و امانتداری، آن مقام و منزلت را نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله یافت».

ج) تشویق و تکریم انسان های امین

تشویق در روح و جان آدمی اثر فوق العاده و معجزه آسائی دارد و او را در انجام کار مصمم تر می کند، چرا که هر انسانی طبعاً خودش را دوست دارد و احترام و قدرشناسی دیگران عزت نفس او را تقویت کرده و از ته دل مسرور می سازد. این شیوه محرکی بسیار قوی برای رساندن افراد تشویق شده به سوی اهداف مطلوب می باشد. آری تکریم و تشویق، افراد را در مداومت آن عمل به شوق می آورد و او را ناخواسته به سوی تکرار عمل می کشاند.

در مقابل ناسپاسی، دلسردی و یأس بدنبال دارد. امام علی (ع) می فرماید:

هرگز نیکوکار و بدکار در نزد تو یکسان نباشند زیرا چنین روشی نیکوکار را در کار نیک بی رغبت کرده و بدکار را به سوی کار بد سوق می دهد، (سیدرضی، ۱۴۱۵ق، عهدنامه مالک اشتر).

از منظر اسلام اصل تشویق و تنبیه به عنوان یک اصل مسلم تربیتی پذیرفته شده است و اساساً وجود بهشت و جهنم، انذار و تبشیر پیامبران و آیه های مربوط به پاداش و کیفر، وعده و وعیدهای شوق انگیز و هراسناک و سایر موارد جلوه هائی از تشویق و تنبیه است. خداوند متعال حضرت یوسف (ع) را به خاطر امانتداری و حفظ ناموس مردم در نوجوانی، تشویق و ستایش می کند و او را با صفات زیبای "امین"، "محسن"، "متقی" و "مخلص"

تحسین کرده و علاوه بر اعطای حکومت دنیوی، وعده پاداش نیک اخروی و فضل و رحمت الهیه به وی مقرر داشته و دوازدهمین سوره قرآن را به تمجید و تکریم از آن شخصیت وارسته و امین اختصاص داده است.

د) آموزش عملی امانتداری

در میان شیوه های تربیتی آموزش عملی بهترین و موفقترین طریقه تعلیم و تربیت است. پند و اندرزی که از راه گوش ما به قلب انسان راه می یابد قطعاً مؤثر است، ولی اثرش محدود و موقتی است. بدین جهت اگر مبلغ و مربی به موعظه تنها اکتفاء کند و گفته هایش در عمل او محسوس نباشد، تأثیری بر مخاطب نخواهد داشت. ولی اگر او گفتارش را در رفتار نشان دهد اثری عمیق و ماندگار در دل های مخاطبان گذاشته و مؤثرترین انگیزه را برای عمل ایجاد خواهد کرد. راز موفقیت رسول اکرم (ص) و پیشوایان معصوم (ع) در تربیت انسانها را باید در همین حقیقت جستجو نمود. پیامبر اسلام (ص) قبل از بعثت در مکه در اثر عملکرد شایسته خویش، به لقب «امین» شهرت یافت و یا در سخت ترین بحران های زندگی اش که حتی جاننش در خطر بود و می خواست به سوی مدینه مهاجرت کند، علی (ع) را مأمور نمود که امانتها را به صاحبانش برگرداند، گرچه آنان دشمن او بودند، قرآن از پیامبران بزرگ الهی به عنوان امین یاد می کند.^۱ نمونه های فراوانی در سیره عملی اهل بیت (ع) در این زمینه وجود دارد، ما فقط به نقل دو نمونه از سیره عملی رسول اکرم (ص) در زمینه پاسداری از امانت بسنده می کنیم:

۱- در ماجرای هجرت پیامبر (ص) از مکه به سوی مدینه حضرت رسول (ص) علی (ع) را در مکه گذاشت که امانتها و سپرده های مردم را ادا کند؛ زیرا قریش آن حضرت را پیوسته در جاهلیت به امانتداری و راستگویی می شناختند و او را محمد امین می گفتند و امانت های بسیاری به آن حضرت می سپردند و هم چنین در موسم حج در مکه زائران حرم امانت های خویش را نزد آن حضرت به ودیعه می سپردند و بعد از بعثت نیز این برنامه ادامه داشت برای همین به امام علی (ع) در هنگام هجرت فرمود: صبح و شام در ابطح ندا کن و با صدای بلند بگو: هر کس نزد محمد (ص) امانتی به ودیعه نهاده بیاید و از من بگیرد و امانتهای مردم را در ملأ عام و آشکارا به آنان تحویل ده زیرا تو جانشین من هستی. (مجلسی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۶۱) علی (ع) نیز به نقش عملی مربی گرانقدرش حضرت رسول خدا (ص) مباحث کرده و می فرماید: «یرفع لی فی کلّ یوم علماً من اخلاقه و یأمرنی بالاعتداء به؛ آن حضرت برای من هر روز از سجایای پسندیده خود پرچمی می افراشت و امر می فرمود، عملاً از اخلاق آن حضرت پیروی کنم. (بحرانی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۰).

^۱ - سوره شعرا آیه ۲۵، همانا من برای شما پیامبری امین هستم، مکرر در مورد پیامبران الهی در قرآن بیان شده است.

پرورشهای عمیق و عالمانه و عملی رسول اکرم(ص) تمام استعدادهای نهانی وجود مقدس امام علی (ع) را شکوفا نموده و در مدت کوتاهی به عالی ترین مدارج انسانیت رسانید و این گویای تأثیر شگرف رفتار بزرگان، رهبران و مربیان جامعه در اعمال و رفتار آحاد مردم و جوانان و نوجوانان می باشد. یکی از بزرگان در ضمن سخنانی که خطاب به مبلغان و مربیان ایراد می کرد چنین گفت: اگر شما یک ماه تمام در رابطه با یک موضوع اخلاقی صحبت کنید و تمام جوانب و زوایای آن را بررسی و موشکافی نموده و با شکلی زیبا و سخنانی شیوا بر مخاطبین عرضه کنید در مدت کوتاهی تمام گفته های شما و یا اکثر سخنانتان از حافظه شنونده گان پاک می شود، اما در طول این مدت اگر یک عمل مثبت و یا منفی قابل توجه از شما سر بزند آن عمل تا مدتهای مدید در خاطر آنان باقی خواهد ماند.

۲- پیامبر اکرم (ص) دوران جوانی را قبل از بعثت می گذراند و هنوز با خدیجه ازدواج نکرده بود که به عنوان وکیل با اموال خدیجه یک سفر تجارتي به سوی شام رفت. قبل از سفر خدیجه کسی را به دنبال آن حضرت فرستاد که: راستگویی، امانت داری و اخلاق پسندیده ات توجه مرا جلب کرده است من حاضرم دو برابر آنچه به دیگران می دادم، به تو بدهم و دو غلام ویژه خود را با تو همراه خواهم کرد که در تمام مراحل سفر در تحت فرمان تو باشند. پیامبر(ص) این پیشنهاد را پذیرفت و به همراه کاروان به شام رفت. سفر پایان یافت و همگی اهل کاروان با سودی سرشار و بی سابقه به مقصد رسیدند. خدیجه در مورد وکیل جوان و امین قریش از غلام خود سؤال کرد. او نیز وقتی از کرامات، صفات برجسته و پسندیده و امانتداری حضرت محمد(ص) به خدیجه گزارش داد خدیجه گفت: میسره! کافی است علاقه مرا به محمد(ص) دو چندان کردی. برو من تو و همسرت را آزاد کردم، (سبحانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹۰).

و) استفاده از هنر

به کارگیری هنر و شیوه های جدید عصر در قالب فیلم، کارتون، تئاتر، نقاشی، خط، مسابقه، معمّا، شعر، سرود، خاطره، قصه، برنامه های رایانه ای و... می تواند ما را در ترویج آموزه های اخلاقی و دینی یاری کند. این برنامه های هنری، اگر با سوژه های مثبت و با شیوه های صحیح تربیتی تنظیم و اجرا گردد، ضمن بیان وقایع تاریخی، معرفی زندگی و شخصیت افراد صالح، آشکار ساختن آثار سوء انحرافات و کجروی های افراد خائن و منحرف، روح و قلب مخاطبان خود را تسخیر کرده و تا عمق حوادث وقایع آنان را با خود همراه می کند و با همین شیوه می توان الگوهای ملموس و محسوس از افراد امین در اذهان مخاطبان مجسم ساخته و گفتار و رفتار آنان را سرمشق قرار داد. در فرهنگ اسلامی برای تربیت افراد استفاده از خلاقیت های هنری و روش های غیر مستقیم جایگاه ویژه ای

دارد. بخش اعظمی از تربیت های قرآنی با بهره گیری از هنر قصه، تمثیل، موزون و همگون بودن آیات - که جذابیت ویژه ای برای خواننده و شنونده دارد - حرکات نمایشی (مانند داستان آموزش خاک سپاری جنازه هابیل برای قابیل توسط حرکت نمایشی دو کلاغ و یا مرافعه نمایشی دو فرشته در پیش حضرت داوود علیه السلام) شیوه سؤال و جواب و سایر روش های هنری بیان شده است.

خداوند متعال تأثیر هنر در انحراف مردم را در قرآن کریم بیان کرده و به آثار سوء خیانت سامری که با یک هنرنمایی (مجسمه سازی) همراه بود اشاره می فرماید و همچنین با نقل قصه های شیرین و جذاب به فوائد و آثار امانتداری و عواقب زشت خیانت در امانت می پردازد. حضرت امیر مؤمنان علی (ع) در برابر خواست نامشروع برادرش عقیل، که از آن حضرت تقاضا می کرد مقداری گندم از بیت المال مسلمانان به صورت غیر قانونی به او بدهد و در امانت مردم خیانت کند؛ میله ای آهنی داغ کرده و به دست او نزدیک نمود. آنگاه که او حرارت آتش را احساس کرد بانگ ناله اش بلند شد. امام (ع) به او فرمود:

«يَا عَقِيلُ أَتَنْنُ مِنْ حَدِيدَةٍ أَحْمَاهَا إِنْسَانُهَا لِلْعَبَةِ، وَتَجْرُنِي إِلَى نَارٍ سَجَرَهَا جَبَّارُهَا لِعُضْبِهِ» (سید رضی، ۱۴۱۵ق، خطبه ۲۲۴).

ای عقیل! آیا تو از آهن پاره ای که آدمی آنرا برای بازی خود (در ضمن یک حرکت نمایشی) سرخ کرده ناله می کنی؟ و مرا بسوی آتشی که خداوند قهار آنرا از روی خشم خویش افروخته، می کشانی؟!.

و بدین ترتیب آثار خیانت را عملاً به او فهمانید.

ی) تکرار و مداومت

اهمیت تکرار و دوام پی گیری در یک برنامه تربیتی و پرورش اخلاقی و رشد خصلت های نیک، در نهاد انسانها بر کسی پوشیده نیست. در بیان فرق میان تعلیم و تربیت گفته اند: که در تربیت، تکرار و ممارست یک اصل اجتناب ناپذیر است. تکرار موجب می شود تا خصلت های پسندیده ای که مورد نظر مربی است در عمق جان مخاطب نفوذ کرده و به صورت یک عادت و ملکه درآید. برای ترویج امانتداری لازم است که این موضوع در رأس برنامه های تبلیغی، فرهنگی قرار گیرد، موضوعات امانتداری پی گیری شود و پیامها و برنامه های مربوطه به صورت مداوم تکرار شود.

در برنامه آموزشی و تربیتی پیشوایان دین ما این شیوه به صورت گسترده ای مورد بهره برداری قرار گرفته است، دستورات اکید به مداومت در نماز و روزه و بطور کلی انجام دائمی تکالیف شرعی، توصیه و ترغیب به تلاوت

مکرر قرآن، تکرار برخی آیات بیش از سی مرتبه و توصیه به زنده نگه داشتن ایام الله، یاد و نام و خاطره اهل بیت (ع) (بوئژه عزاداری امام حسین علیه السلام) ترغیب به زیارت های مکرر، دعاها و مراسم های مذهبی، ممارست به کارهای پسندیده و صفات نیکو، نمونه هائی از روش تکرار در فرهنگ اهل بیت (ع) است.

م) شناساندن اسوه های امین

تأثیر الگو و نقش پذیری انسان از وی یک امر طبیعی است که از غریزه تقلید سرچشمه می گیرد. حس تقلید یکی از نیرومندترین غرایز بشری است که در طبیعت هر انسانی به ودیعت نهاده شده است و در صورت هدایت صحیح آن می تواند دستاوردهای ریشه دار و سودمندی را برای شخص در پی داشته باشد. از شاخص ترین ویژگی های مکتب تربیتی اسلام ارائه الگوهای کامل و بی عیب و نقص برای پیروان خود می باشد که آنها را می توان مظهر جلال و جمال و کمال حضرت حق قلمداد کرد. در همین راستا یکی از شیوه های تربیتی قرآن شناساندن اسوه و سرمشق می باشد. از منظر آئین و حیانی اسلام رسول اکرم (ص) بارزترین الگوی کامل و تمام عیار برای مسلمانان می باشد و خداوند در این زمینه فرمود:

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ، (سوره احزاب، آیه ۲۱)؛

همانا برای شما در (سیره‌ی) رسول خدا الگو و سرمشقی نیکوست، (البته) برای کسانی که به خدا و روز قیامت امید دارند».

هر چقدر مسلمانان بیشتر از آن حضرت پیروی کنند و در اخلاق و رفتار و کردار از آن بزرگوار تأسی جویند بیشتر به کمالات نزدیک خواهند شد. یکی از مهم ترین ویژگی های رسول خدا (ص) امانتداری وی است که دوست و دشمن آنرا پذیرفته بود. او در امانتداری نه تنها سرمشق مسلمانان بلکه الگوی همه انسانها بود. رسول خدا نه تنها خود چنین بود بلکه یاران خویش را نیز با این ویژگی ارزش داده و برای امور مهم برمی گزید و امانتداری و صداقت را در سرلوحه برنامه هایش قرار داده بود. به همین جهت امام صادق (ع) در پیام خود به عبدالله بن ابی یعفور به این نکته تأکید کرده و فرمود:

ای عبدالله! دقت کن در آن چیزی که حضرت علی (ع) را در نزد رسول خدا (ص) سرافراز کرد و به آن مقامات عالی رسانید، پس تو هم آنها را برای خودت لازم بدان و شخصیت خویش را به آن صفات زیبا بیارای! بدان! مطمئناً علی (ع) در نزد پیامبر (ص) به آن درجه و عظمت نرسید مگر با راستی و امانتداری. (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۹، ص ۶۷).

گذشته از این می توان برای ترویج و تقویت امانتداری نمونه های عینی و ملموس را از عصر خود شناسائی کرده و معرفی کنیم. هر کجا فردی امین و درستکار باشد او را به دیگران شناسانده و خصلت های نیکویش را بستائیم. خاطرات، و داستان ها و هرگونه مطالبی را در این زمینه منتشر سازیم. در قرآن حضرت یوسف و حضرت موسی و سایر پیامبران الهی را با صفت امین در ناموس و اسرار و اموال ستایش کرده و با روشنترین عبارات معرفی می کند. زندگی ائمه اطهار (ع)، یاران شایسته آن بزرگواران، علمای صاحب نفس، عرفای برجسته و انسانهای پاک و وارسته در هر عصر و زمانی می تواند مطرح شده و سرمشق دیگران باشد. گاهی نیز می توان با ارائه نشانه ها و علامت های انسانهای وارسته آنها را شناساند. روزی پیامبر اکرم (ص) رو به مردم کرده و فرمود: آیا می خواهید مؤمن واقعی را بشما معرفی کنم؟ مؤمن کسی است که انسان های با ایمان او را بر جان و مال خود امین بدانند، (کلینی، ۱۳۷۵، باب مؤمن و علاماته، ح ۱۹).

نتیجه

امانتداری از مباحث اخلاقی، قرآنی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و غیره است. امانت داری امنیت روح را تضمین و نوعی آرامش خاطر فردی و اجتماعی به دنبال دارد تقویت این ارزش اجتماعی و شرعی سبب سعادت مندی بشر در دنیا و آخرت و ضامن سلامت امت اسلامی، اموال، ثروت ها، پست ها، مسئولیت ها، سرمایه های انسانی، فرهنگ ها و میراث های تاریخی همه امانت های الهی است. در قرآن کریم و روایات در موارد متعددی مسلمانان را به این رفتار و منش پسندیده دعوت کرده و از آنان خواسته تا ضمن ایجاد و تقویت این روحیه در خود، دیگران را نیز به سوی آن بخوانند. امانت داری از نظر عقل و منطق، راستی و درستی و پس دادن به موقع امانت، کاری ارزشمند و لازمه انسانیت است.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه سید رضی؛ تصحیح صبحی صالح، نشر دار الأسوه للطباعة و النشر، چ ۱، نامه ۵۳، ۱۴۱۵ ق.

کتابهای فارسی

۱- انصاری محمدعلی، الموسوعة الفقهية المسيرة، مجمع الفكر اسلامی، قم، شریعت، چ ۱، ۱۴۲۴ ق.

۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.

- ۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ترجمه، سید غلامرضا خسروی حسینی، بیروت - لبنان، ج ۱، چ ۱، ۱۴۱۲ق.
 - ۴- سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، قم، انتشارات بوسان کتاب، ۱۳۸۵ش. ۵۴
 - ۵- طباطبایی، سید محمد حسین، میزان، ج ۱۶، چ ۶، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸ش.
 - ۶- فیروزآبادی، مجردالدین محمدبن یعقوب، القاموس المحيط، ج ۱، بیروت - لبنان، ج ۴، ۱۴۱۵ق. ۷۶- ۷- موسوی خمینی، روح الله، چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی چ ۲۰، ۱۳۷۸ش.
 - ۸- محمد معین، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۱ش.
 - ۹- محمدی ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۱، ۱۳۶۲ش.
- کتابهای عربی
- ۱- ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول، مترجم، صادق حسن زاده، چ ۱، ج ۱، قم، انتشارات آل علی (ع)، ۱۳۸۲ش.
 - ۲- بحرانی، سید هاشم، حلیه الأبرار، ج ۲، قم، انتشارات معارف اسلامی، ۱۳۷۳ش.
 - ۳- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم، ج ۴، تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۶۶ش. ۴- _____، عبد الواحد بن محمد، شرح غرر الحکم، مصحح، سید جمال الدین محدث، ج ۴، تهران، موسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۶۶ش.
 - ۵- حر عاملی، محمد بن الحسن؛ وسائل الشیعه، نشر مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، کتاب الوديعه، ج ۱۹، ۱۴۰۹ق
 - ۶- کلینی، الکافی، ج ۵، مصحح، علی اکبر غفاری، محمد آخوندی، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
 - ۷- صدوق، خصال، مترجم محمد باقر کمره ای، چ ۱، ج ۲، تهران، انتشارات کتابچی، ۱۳۷۷ش.
 - ۸- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله، کنز العرفان، ج ۲، چ ۵، تهران، ۱۳۷۳ش.

۹- کلینی ، محمد بن یعقوب ، فروع کافی ، مترجم، محمد حسین رحیمیان، قم ، انتشارات قدس، چ ۱، ج ۵ ، ۱۳۸۸ش.

۱۰- _____، اصول کافی، تحقیق علی اکبر غفاری، نشر دارالکتب الإسلامیة، چ ۶ ، ج ۲، ۱۳۷۵ش،

۱۱- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، حیاة القلوب، ج ۲، چ ۶، قم، انتشارات سرور، ۱۳۸۴ش.

۱۲- _____، بحار الأنوار، مؤسسۀ الوفاء بیروت - لبنان ، ج ۷۲، ۱۴۰۴ ق.